



* 9 آذر در گذر تاریخ

* اعلان تأسیس بانک ملی برای بی نیاز شدن از دریافت وام از خارجیان منتشر شد و از طرف مردم استقبال زیادی به عمل آمد. (1285 ش)

* صدور و انتشار اعلامیه سران سه کشور متفق در تهران (1322 ش)
اشاره:

یکی از وقایع مهم و با اهمیت دوران جنگ جهانی دوم در زمان نخست‌وزیری علی سهیلی، تشکیل کنفرانس عالی سران سه کشور متفق در تهران است که بی‌شک در سرنوشت جنگ جهانی دوم و سرنوشت سیاسی ایران بسیار مهم بود.

در این کنفرانس که از روز ششم آذر 1322 ش با حضور استالین، چرچیل و روزولت، رهبران اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و آمریکا برگزار گردید، پیرامون پیروزی جنگ

و کوتاه ساختن مدت جنگ تبادل نظریه وجود آمد و تصمیماتی اتخاذ گردید و در روز نهم آذر اعلامی مشترکی درباره ایران منتشر کردند. در این اعلامیه، ضمن احترام به استقلال ارضی ایران، موافقت شد که هر نوع مسائل اقتصاد که در پایان جنگ، گریبانگیر ایران شود، از طرف کنفرانس‌ها یا مجامع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و حل شود. ولی علی‌رغم این که طی این کنفرانس موافقت شد تا نیروهای متفق بلافاصله پس از پایان جنگ، خاک ایران را تخلیه کنند، با این حال، این نیروها به ویژه قوای روس، تا مدت‌ها پس از جنگ، از تخلیه ایران امتناع می‌کردند تا این که پس از شکایت ایران به مجامع جهانی، نیروهای خود را از ایران خارج ساختند.

* برقراری مجدد حاکمیت ایران بر جزائر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک (1350 ش)
اشاره:

جزائر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک تا سال 1283 ش (1904 م) که برای نخستین بار ناوهای جنگی انگلستان در ساحل آنها پهلو گرفته بود، جزئی از خاک ایران و تحت اداره بندرلنگه از توابع استان فارس بودند. در این سال، انگلستان این جزائر را به اشغال خود درآورد و ضمن پائین کشیدن پرچم ایران، مأمورین گمرک ایران را از آنجا اخراج نمود که این عمل شدیداً مورد اعتراض دولت وقت ایران قرار گرفت. یک سال بعد، دولت انگلستان به علت ضعف حکومت مرکزی، با یک اقدام موزیانه، پرچم امیرنشین شارجه را بر فراز جزائر مزبور به اهتزاز درآورد. در طول اشغال شصت و چهار ساله این جزائر از سال 1283 تا 1347 ش دولت ایران حتی در بدترین شرائط سیاسی از اعتراض به اشغال آنها خودداری نکرد.

پس از جنگ جهانی دوم که قدرت انگلیسی‌ها در خلیج فارس کاهش یافت، دولت انگلستان مراقبت از سه جزیره مزبور، را به شیخ‌نشین شارجه واگذار کردند و ساکنان جزائر، تابعیت شارجه گرفتند. در سال 1350 ش دولت ایران به دنبال واگذاری بحرین و به رسمیت شناختن استقلال آن و صرف نظر کردن از حاکمیت خود در آن جزیره نفت‌خیز، درصدد برآمد

به نحوی، حیثیت از دست رفته خود را جبران کند. از این رو، نیروی دریائی ایران، به یکباره در جزائر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک که از قدیم الایام متعلق به ایران بود مستقر شدند و با سر و صدا، آن را توفیق بزرگ جنگی قلمداد نمودند. این عمل با اعتراض شیخ‌نشین‌های امارت متحده عربی مواجه گردید و آنان مدعی مالکیت جزائر شدند. هم‌چنین به دنبال این ماجرا، دولت وقت عراق روابط خود را با ایران قطع نمود و پارلمان کویت، قطع رابطه با ایران را مورد بررسی قرار داد. در بسیاری از کشورها علیه ایران تظاهراتی صورت گرفت و عراق به اخراج و آزار ایرانیان مقیم در آن کشور شدت بخشید. سرانجام بابت مالکیت یا تصرف غیرقانونی شیخ‌نشین شارجه، دولت ایران مبلغ قابل ملاحظه‌ای به شیوخ پرداخت نمود و اوضاع تا حدودی به آرامش گرائید.

* بنا به تقاضای دولت جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی تشکیل گردید (1350 ش)
اشاره:

امیرعباس هویدا نخست وزیر طی نطقی اعلام کرد ارتش ما حاکمیت ایران را بر جزائر ایرانی دهانه خلیج فارس مستقر کرد. پس از گزارش نخست وزیر مجلسین به دولت رأی اعتماد دادند.

* برف و کولاک در آذربایجان شرقی تلفاتی به بار آورد (1354 ش)

* برگزاری مراسم چهلم شهادت آیت الله «سیدمصطفی خمینی» (1356 ش)
اشاره:

شهادت مشکوک فرزند بزرگ امام، حاج آقا سیدمصطفی خمینی در اول آبان 1356 ش در نجف اشرف، موجی از تأثر توأم با خشم را در میان اقشار مختلف ملت ایران به وجود آورد و بیشتر مردم، رژیم را متهم به توطئه در این فاجعه نمودند. ای شهادت، نهضت اسلامی پانزده ساله ایران را جان تازه‌ای بخشید به گونه‌ای که یکباره فراگیر شده و به شکل انقلابی طوفان‌زا و کاخ‌برانداز درآمد.

در این حادثه که در تعبیر امام خمینی (ره) به عنوان لطف خفی الهی آمده بود، گرچه در آن زمان، ضربه جانگدازی بر پیکر نهضت

اسلامی بود ولی نخستین جرقه‌ای محسوب می‌شد که شعله‌های انقلاب اسلامی را روشن کرد و راه را برای افشای هرچه بیشتر ماهیت ضداسلامی و ضد مردمی رژیم و حامیش، آمریکا، باز نمود. در پی شهادت سیدمصطفی خمینی، در گوشه و کنار کشور مجالس بزرگداشتی برای ایشان برپا گردید و مجلسی که در مسجد اعظم قم به همین مناسبت برگزار شد، به نوبه خود در شکست سد استبداد و اختناق و بسیج خشم مردم و بهره‌گیری بیشتر از جو آزادی‌های نسبی، نقش بسیار مؤثری داشت و از آن زمان، زبان‌ها بازتر و لحن‌ها تندتر و مبارزات تشدید گردید. رژیم شاه به تصور اینکه فقدان این شخصیت بزرگ که امید آینده انقلاب اسلامی بود، رهبر انقلاب اسلامی را دچار شکست روحی و نهایتاً آسیب‌پذیر می‌سازد. ناگهان در برابر صلابت امام که در کمال آرامش، بدون آنکه خم به ابرو بیاورد از کنار آن گذشت، دچار سرگیجه شد و با درماندگی دچار اشتباه بزرگ دیگری شد که سرآغاز انقلاب اسلامی در 19 دی 1356 محسوب می‌گردد.

* تصویب تأسیس بانک ملی توسط مجلس شورای ملی (1285 ش)

اشاره:

پس از استقرار مشروطیت، موضوع وام‌گیری ایران از روسیه وانگلیس باعث به هیجان آمدن احساسات عمومی و مخالفت قاطع نمایندگان مجلس اول با آن شد. از این رو طرح پیشنهاد تأسیس یک بانک ایرانی با سرمایه ایرانیان عنوان گردید و در تاریخ پنجم آذر 1285 ش نمایندگان مجلس، تأسیس یک بانک ملی را از دولت خواستار شدند تا بدین وسیله به دولت وام دهند. سپس طی چند جلسه بحث و بررسی درباره آن، تأسیس بانک ملی برای بی‌نیاز شدن از دریافت وام خارجی در نهم آذر آن سال از تصویب نمایندگان گذشت، این تصویب در بیستم آذر ماه به اطلاع عموم رسید و به بانک ملی اجازه داده شد که به معاملات زراعتی، رهن املاک، خرید و فروش برات‌های تجاری داخلی و خارجی و قرض و استقراض مبادرت ورزد. همچنین قرار بر این شد که سرمایه‌ای معادل یکصد و پنجاه میلیون ریال به عنوان سرمایه اولیه به بانک ملی تعلق گیرد و حساب‌های دولتی که تا آن وقت در بانک شاهنشاهی وابسته به دولت انگلیس تمرکز داشت به بانک ملی انتقال یابد. کوشش‌هایی که برای تأسیس بانک ملی صورت گرفت و استقبال بی‌نظیری که مردم برای ایجاد این بانک کردند با مخالفت‌های بیگانگان مواجه گشت و تغییر ناگهانی وضع سیاسی ایران و انعقاد تقسیم ایران بین دولت‌های روس و انگلیس، طی قراردادی معروف به قرارداد 1907 همه این تلاش‌ها را ناکام گذاشت و بانک ملی در آن زمان

به وجود نیامد. تأسیس بانک ملی هرچند با کارشکنی‌های بانک‌های خارجی و اقدامات محمدعلی شاه راه به جایی نبرد، اما جایگاه و اعتبار مجلس را در داخل و خارج برای همگان روشن ساخت. بانک ملی ایران در نهایت، 22 سال بعد، در هفدهم شهریور 1307 ش رسماً افتتاح شد و شروع به کار نمود.

* روز بزرگداشت «شیخ مفید»

اشاره:

تاریخ شیعه، سرشار از افتخارات بسیار و تحولات چشمگیر است؛ تحولاتی که به دست عالمان متعهد و فرزندان اندیشمند پدید آمده است. در این میان به سده چهارم هجری برمی‌خوریم که فتح‌الفتوح تاریخ شیعی است. روزگاری که مردی بزرگ و اندیشمندی سترگ

«دایرةالمعارفی جامع» از معارف اسلامی تدوین کرد که نزدیک به پنجاه سال، پرچمدار عرصه‌های علمی، فکری و فرهنگی مسلمین گردید. سرانجام کار به جایی رسید که دوست و دشمن زبان به تمجید او گشودند و قلم به تعریف او برگرفتند و او را «مفید»

لقب دادند. محمدبن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید در یازدهم ذیقعدة سال 336 ق در بغداد به دنیا آمد. از آنجا که پدر محمد شخصی پارسا و مذهبی بود و به تعلیم و تربیت اشتغال داشت، شیخ مفید در ابتدا به ابن المعلم ملقب گردید. او از کودکی به فراگیری علوم اسلامی روی آورد و هوش و استعداد سرشاری از خود نشان داد به طوری که قبل از دوازده سالگی از برخی محدثان، روایت اخذ کرده و از استاد خویش، شیخ صدوق، در قبل از بیست سالگی حدیث شنیده است.

شیخ مفید همچنین از محضر درس استادان بزرگ عصر از جمله: علی بن عیسی رمثانی، جعفر بن محمد بن قولویه و محمد بن عمران مرزبانی بهره برد و به مقام والایی در فقه، کلام و ادب دست یافت. جاذبه فوق‌العاده و پشتکار فراوان شیخ مفید، موجب گرایش فاضلان بسیاری به حوزه درس وی گردید و باعث تألیف آثار گران‌بها و ارزشمند شد. شیخ مفید از یک‌سو، گروه بی‌شماری

از دانشمندان مذاهب مختلف را تربیت نمود و مشعل‌های فروزانی چون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی و نجاشی و ده‌ها نفر را تحویل حوزه‌های علمی و دینی داد و از سوی دیگر قلم به دست گرفت و با این سلاح برق‌آسا و ژرف، تحولی به‌نگام، ایجاد کرد. تألیفات شیخ مفید را تا دویست کتاب گفته‌اند که شرح عقائد صدوق، الْمُفْتَعَة، الاعلام، امالی، ارشاد و ده‌ها اثر گرانبها از آن جمله‌اند.

شیخ مفید از جمله کسانی است که مورد اعتماد خاص حضرت ولی عصر(عج) بوده و نامه‌هایی از جانب امام مهدی(عج) برای شیخ ارسال شده است. بینش افروزی و دانش آفرینی وی به همراه آگاهی از اوضاع دشمنان و اطلاع از جهان اطراف باعث شد که او را سلسله جناب نهضت فکری و علمی در قرن چهارم هجری کرد تا جایی که در صحیفه‌های سبز مهدوی(عج) از جانب حضرت ولی عصر، برادر گرمی و استوار خوانده شد. سرانجام، شیخ مفید این رادمرد علم و عمل و اسوه تقوا و فضیلت در سوم

ماه رمضان سال 413 ق در 77 سالگی به دیدار معبود شتافت و پس از اقامه نماز توسط سیدمرتضی، در حرم امام موسی کاظم(ع)

در کاظمین به خاک سپرده شد.

* 18 صفر در گذر تاریخ

* تولد «ابوالسعود» فقیه و مفسر مسلمان (896 ق)

اشاره:

محمد مصطفی عمادی مشهور به ابوالسعود، فقیه و مفسر مسلمان در روستای مدرس واقع در نزدیکی استامبول در ترکیه متولد شد. ابوالسعود پس از پایان تحصیلات به تدریس مشغول گردید.

همزمان با تدریس، منصب قضاوت در استامبول را نیز به عهده گرفت و تا پایان عمر در این مقام باقی ماند. او به مسائل اجتماعی و عرفی جامعه‌ی خود توجه داشت و تلاش می‌کرد قوانین اداری عثمانی را بر اساس شریعت اسلامی تنظیم و اصول دیوانی را اصلاح کند. ابوالسعود علاوه بر زبان ترکی به زبان‌های فارسی و عربی، تسلط کامل داشت و به این دو زبان، شعر نیز می‌سرود.

ارشاد العقل السلیم، دعا نامه و قانون نامه از جمله آثار اوست.

* تولد «سلطان القراء تبریزی» قاری شهیر قرآن و دانشمند علم قرائت (1255 ق)

اشاره:

شیخ عبدالرحیم بن ابوالقاسم تبریزی معروف به سلطان القراء یا شاه قرآن خوانان در 1255 ق در تبریز به دنیا آمد. وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و شاگردان فاضلی در این زمینه تربیت نمود. از تألیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید به نام «دُر المنثور» و رسائل دیگر. سلطان القراء پس از فراگیری این علم نزد پدر، با شیخ شامیل داغستانی آشنا شد و هنگامی که شیخ شامیل ارتشی فراهم آورده بود تا علیه روس‌ها قیام کند، وی برای همراهی با این نهضت با شیخ شامیل به سوی داغستان عزیمت کرد.

سپس به تبریز بازگشت و حوزه‌ی درسی جهت قرائت قرآن تشکیل داد و از آن زمان به برترین قاری قرآن کریم لقب یافت. سلطان القراء در سال 1336 ق در 81 سالگی درگذشت.

* 30 نوامبر در گذر تاریخ

* رحلت استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» استاد برجسته قرآن (1988م)

اشاره:

استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد از اساتید مصری و برجسته و بین‌المللی بود. او فراگیری قرآن کریم را از دوران کودکی آغاز کرد و در دوازده سالگی موفق به دریافت جایزه حفظ و قرائت قرآن شد. استاد عبدالباسط مدتی نیز به سفر به کشورهای مختلف پرداخت. او طی سال‌های متمادی که به تلاوت قرآن کریم مشغول بود، رتبه‌های مهمی در مسابقات بین‌المللی قرآن مجید در کشورهای اسلامی کسب کرد. از استاد عبدالباسط، نوارهای زیادی از صوت دلنشین قرآن او، بر جای مانده است. استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد از استادان برجسته قرائت و ترتیل قرآن مجید

در سال 1308 ش (1348 ق) در روستای ارمنت در هفتصد کیلومتری جنوب قاهره به دنیا آمد. وی از کودکی به فراگیری قرآن روی آورد و با اشتیاق تمام، کل قرآن را از حفظ نمود.

استاد عبدالباسط از 19 سالگی به قرائت در پایتخت مصر، رادیو دولتی این کشور و مناطق دیگر پرداخت و به کشورهای زیادی سفر کرد. استاد عبدالباسط همچنین رتبه‌های مهمی در مسابقات بین‌المللی قرآن مجید در کشورهای اسلامی کسب نموده است.

از این استاد برجسته قرآن، تلاوت‌های زیبا و دلنشین زیاد از قرآن بر جای مانده است. استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد سرانجام در سی نوامبر 1988م درگذشت. (نهم آذر 1367 ش) در 69 سالگی دار فانی را وداع گفت.)